



۳۴

سوسیالیسم امروز

۳ فوریه ۲۰۱۸ - ۱۴ بهمن ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرودیه: سلام زنجی

www.simroz.org

تکرار سیاستهای سال ۵۷ سم است!

صفحه ۵

روحانی یک مهره جنایتکار و دروغگو!

صفحه ۸

۱۵ روز مقاومت، ۱۵ روز کشتار..!

صفحه ۱۱

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند

صفحه ۱۲

موج خشونت ها و ازدواج اجباری دختران در افغانستان!

صفحه ۷

واقعیت سانچی چیست؟

صفحه ۱۰

در صفحات دیگر:

- سومین روز اعتراض کارگران

- نیشکر هفت تپه

- تصور کن

- پرسش

ساختار و ارگان های قدرت سیاسی

حکومت شورایی

(از برنامه حزب سوسیالیست انقلابی)

دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیتزین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.

انحلال ارتش

ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای در جامعه موجود جز دار و دسته های مسلح و اجیر طبقه حاکم نیستند که به هزینه کارگران و مردم زحمتکش برای تحت انقیاد نگاهداشتن خود آنها و نیز پاسداری از منافع اقتصادی و بازار داخلی بورژوازی هر کشور در مقابل دیگری سازماندهی شده اند.

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

ساختار و ارگان های قدرت ...

علیرغم اینکه طبقه حاکم میکوشد تحت عناوین مختلف ماهیت طبقاتی و مصرف واقعی ارتش خویش را بپوشاند و آن را ارگانی عمومی و عام المنفعه قلمداد نماید، رابطه تنگاتنگ ارتش ها با طبقات حاکمه و نقش آنها در حراست از منافع اربابان جامعه برای توده وسیع مردم، نه فقط در کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتینی که نقش سرکوبگر ارتش و پلیس در آنها برجسته تر و علنی تر بوده است، بلکه در اروپا و آمریکای شمالی هم که اسطوره ارتش غیر سیاسی رواج بیشتری داشته است، کاملاً قابل مشاهده است.

حزب سوسیالیست انقلابی مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای است.

ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح حرفه ای و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی باید منحل گردند.

نیروی میلیس شوراهای مردم، مبتنی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، جایگزین ارتش حرفه ای و مافوق مردم میشود.

حزب سوسیالیست انقلابی بعلاوه معتقد است که اصول زیر باید در هر حال و تحت هر شرایطی مادام که نیروهای مسلح وجود دارند به اجرا در آیند:

لغو اطاعت بی چون و چرای پائین از بالا در نیروهای مسلح. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد و یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه انیفورم نظامی خود را بتن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود. تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است. این حق هر شهروند است که بتواند از حضور نیروهای انتظامی مسلح در محیط پیرامونی خود (محل کار، زیست، تردد و غیره) مطلع شود.

افراد عضو نیروهای نظامی حق دارند در فعالیت های سیاسی شرکت کنند و در احزاب سیاسی عضو شوند. فعالیت احزاب سیاسی، اتحادیه ها و سایر تشکل ها در درون نیروهای نظامی آزاد است.

لغو بوروکراسی مافوق مردم**و شرکت مستقیم مردم در اداره امور**

نتخابی شدن کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در کشور توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هر زمان که اکثریت انتخاب کنندگان آنها اراده کنند. افرادی که به مشاغل سیاسی و اداری کشوری انتخاب میگردند باید حداکثر حقوقی معادل مزد متوسط کارگر دریافت دارند. اعمال نظارت مستقیم مردم از طریق نهادهای شورایی بر فعالیت کلیه نهادها و مقامات اداری. ساده کردن سلسله مراتب، زبان و مقررات کار ادارات دولتی به نحوی که دخالت و اعمال کنترل شهروندان بر آن به سهولت عملی باشد.

ارتقاء استانداردهای اخلاق اداری و وجدان کار و احترام به شهروندان و مراجعان. سوء استفاده مقامات اداری از موقعیت شغلی، رشوه خواری، پارتی بازی، اعمال تبعیض و عدول از ضوابط و مصوبات قانونی یا تعلل در اجرای آنها، باید بعنوان جرائم عمده در دادگاه های عادی مورد تعقیب قرار بگیرد. ممنوعیت اکید استفاده از امکانات و تسهیلات مربوط به منصب اداری برای مصارف شخصی.

حق بدون قید و شرط افراد به اقامه دعوا علیه هر مقام دولتی در دادگاه های عادی.

برقراری دادگستری مستقل**و تامین عدالت قضایی برای همه**

سیستم قضایی و مفهوم عدالت قضایی در هر نظامی انعکاسی از مناسبات اجتماعی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی در آن است. قلمرو قضا، اعم از پیکره قوانین و تلقی حاکم از حق و انصاف و عدالت تا نهادها و سیستم اداری و روش قوه قضائیه، بخشی از روبنای سیاسی در جامعه است که شالوده اقتصادی و طبقاتی موجود در جامعه را حراست میکنند. به این اعتبار عدالت قضایی واقعی و برخوردار از یکسان همه از آن، و قضاوت و حکمیت برآستی مستقل و منصفانه، منوط به دگرگونی بنیادی جامعه طبقاتی موجود است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ساختار و ارگان های قدرت ...

در این راستا، و بمنظور تضمین عادلانه ترین موازین قضایی ممکن در جامعه موجود، حزب سوسیالیست انقلابی خواهان تحقق فوری اصول پایه زیر است .
 استقلال حقوقی کامل قضات، دادگاه ها و سیستم قضایی از قوه مجریه .
 انتخابی بودن قضات و سایر مقامات قضایی توسط مردم. قابل عزل بودن آنها هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند .
 لغو دادگاه های ویژه و رسیدگی به کلیه جرائم در دادگاه های عادی .
 علنی بودن کلیه محاکمات. تشکیل دادگاه با حضور هیات منصفه در کلیه جرائم عمده جنایی. حق متهم و وکلای او در رد و قبول قضایی و اعضای هیات منصفه .
 درکلیه محاکمات اصل بر برائت متهم است و بار اثبات جرم بر عهده دادستان و یا طرف شاکی قرار دارد .
 موازین قضایی کشور و حقوق فرد در قبال دستگاه قضایی در جزئیات بیشتری در بخش های دیگر این برنامه ذکر شده اند.

حقوق و آزادی های فردی و مدنی

سخنگویان سرمایه داری احترام به حقوق فردی و مدنی را خصلت مشخصه و یک رکن اصلی نظام خویش اعلام میکنند. واقعیت اینست که از میان ۵ میلیارد انسانی که امروز زیر حاکمیت سرمایه زندگی میکنند، تنها درصد ناچیزی را، آنها در کشورهای معدودی، میتوان سراغ کرد که از نوعی حقوق فردی و مدنی تعریف شده و نسبتاً با ثبات برخوردارند. سهم اکثریت عظیم مردم جهان سرمایه داری، بی حقوقی سیاسی کمابیش مطلق، دولت های فعال مایشاء و مستبد، و تروریسم و خشونت سازمان یافته دولتی است. بعلاوه، در خود کشورهای صنعتی اروپای غربی و آمریکای نیز حقوق فردی و مدنی مردم نه فقط در قیاس با آزادی مورد مطالبه انسان امروز انگشت شمار و ناچیز است، بلکه بر متن انقیاد اقتصادی توده مردم کارگر به سرمایه و رابطه مستقیم حق و آزادی با مالکیت، از هر معنی مادی و جدی تهی است. و بالاخره، تجربه زندگی مردم این کشورها در دوره های بحران و تنگنای اقتصادی به روشنی نشان میدهد که بقاء و دوام همین حقوق انگشت شمار و فرمال نیز ربط مستقیم به موقعیت اقتصادی طبقه سرمایه دار دارد و هر جا این حقوق برای سودآوری و انباشت سرمایه دست و پاگیر شده اند، بسادگی مورد تعرض دولت و طبقه حاکم قرار گرفته اند .

آزادی فردی و مدنی واقعی تنها در جامعه ای میتواند متحقق شود که خود آزاد باشد. انقلاب کمونیستی کارگری، با از میان بردن انقیاد طبقاتی و اقتصادی انسانها، مبشر گسترده ترین آزادی ها و امکانات ابراز وجود فرد در قلمروهای مختلف زندگی است. حزب سوسیالیست انقلابی در عین حال برای تحقق و تضمین وسیع ترین حقوق فردی و مدنی در جامعه موجود مبارزه میکند. اهم این حقوق و آزادی های انکار ناپذیر و غیر قابل نقض عبارتند از:

- حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض.
- حق معاش. حق برخورداری از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی.
- حق فراغت و تفریح و آسایش.
- حق آموزش. حق استفاده از کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه.
- حق سلامتی. حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه.
- حق استقلال فردی. ممنوعیت هر نوع انقیاد و بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیه.
- حق معاشرت و زندگی اجتماعی. ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران.

- حق جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی. ممنوعیت سانسور، ممنوعیت کنترل دولت و یا مالکان و مدیران رسانه ها بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد.

- حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن. آزادی ساکنین کشور و نمایندگان آنها در کنترل و حسابرسی تأثیرات فعالیت های دولت و بنگاه های مختلف بر محیط زیست.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه. لغو هر نوع ارجاع در قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم. ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

- آزادی مذهب و بی مذهبی.

- حق رای همگانی و برابر برای کلیه افراد بالاتر از شانزده سال مستقل از جنسیت، تعلقات مذهبی، قومی، ملی، شغلی، تابعیت، مرام و عقیده سیاسی و آزادی هر فرد بالاتر از شانزده سال برای کاندید شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

ساختار و ارگان های قدرت ...

یک رکن بسیار مهم پیروزی جامعه ای که خواهان آزادی و برابری و رفاه و امنیت است توجه جدی به سیاستهای رادیکال، شفاف، بدون تعارف و بدون توسل به رویکرد فاسد دیپلماسی بازی با "توده ها" و دنیای سیاست، از جانب احزاب سیاسی و نویی مانند حزب سوسیالیست انقلابی ایران است.

این حزب را به عنوان حزب راستین طبقه کارگر، حزب واقعی آزادی زن، حزب جوانان انقلابی، و حزب سازمانده و رهبر جنبش ما برای سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی و کلیت نظام فاسد سرمایه داری، استقرار آزادی، برابری و یک نظام سوسیالیستی در آینده بعد از نابود کردن این رژیم جهل و جنایت باید شناخت و به آن پیوست (س-ز)

آزادی فردی و مدنی واقعی تنها در جامعه ای میتواند متحقق شود که خود آزاد باشد. انقلاب کمونیستی کارگری، با از میان بردن انقیاد طبقاتی و اقتصادی انسانها، مبشر گسترده ترین آزادی ها و امکانات ابراز وجود فرد در قلمروهای مختلف زندگی است .

حزب سوسیالیست انقلابی در عین حال برای تحقق و تضمین وسیع ترین حقوق فردی و مدنی در جامعه موجود مبارزه میکند. اهم این حقوق و آزادی های انکار ناپذیر و غیر قابل نقض عبارتند از :

- حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض .

- حق معاش. حق برخورداری از ضروریات زندگی

متعارف در جامعه امروزی .

- حق فراغت و تفریح و آسایش .

- حق آموزش. حق استفاده از کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه .

- حق سلامتی. حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه .

- حق استقلال فردی. ممنوعیت هر نوع انقیاد و بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیه .

- حق معاشرت و زندگی اجتماعی. ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران .

- حق جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی. ممنوعیت سانسور، ممنوعیت کنترل دولت و یا مالکان و مدیران رسانه ها بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد .

- حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن. آزادی ساکنین کشور و نمایندگان آنها در کنترل و حسابرسی تاثیرات فعالیت های دولت و بنگاه های مختلف بر محیط زیست .

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل .

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه. لغو هر نوع ارجاع در قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم. ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد .

- آزادی مذهب و بی مذهبی .

- حق رای همگانی و برابر برای کلیه افراد بالاتر از شانزده سال مستقل از جنسیت، تعلقات مذهبی، قومی، ملی، شغلی، تابعیت، مرام و عقیده سیاسی و آزادی هر فرد بالاتر از شانزده سال برای کاندید شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی .

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی .

- آزادی بی قید و شرط انتخاب محل سکونت، آزادی سفر و نقل مکان برای همه افراد بالای شانزده سال اعم از زن و مرد.

- ممنوعیت هر نوع کنترل دائمی عبور و مرور در داخل کشور توسط دولت و مقامات انتظامی. لغو هر نوع محدودیت بر خروج از کشور. صدور بی قید و شرط و فوری گذرنامه و جواز ورود و خروج .

- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و کار برای متقاضیان اقامت در ایران.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد- مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت. ممنوعیت گردآوری اطلاعات در مورد زندگی افراد بدون کسب اجازه رسمی از خود آنها. حق هر فرد ساکن کشور به دریافت و مطالعه کلیه اطلاعاتی که مراجع دولتی از او در اختیار دارند .

- آزادی انتخاب شغل .

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم .

- آزادی حسابرسی و نظارت نمایندگان مردم بر فعالیت ها و اسناد و دفاتر نهادهای دولتی. ممنوعیت دیپلوماسی سری.

(بر گرفته از "یک دنیا بهتر"، برنامه حزب سوسیالیست انقلابی، بخش ۲ - فصل اول، فصل دوم، فصل سوم)

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!



تکرار سیاستهای سال ۵۷ سم است!

(متن گفتگوی "صدایی سوسیالیسم امروز" با رفیق سلام زیجی، دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی، درباره بیانیه مشترک چند جریان چپ اپوزیسیون و نامه دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی به نیروهای چپ سرنگونی طلب)

"حزب کمونیست کارگری"، "حکمتیست"، "حکمتیست خط رسمی"، "حزب کمونیست ایران-کومله" و بخشی از سازمانهای فدائی و اقلیت و راه کارگر ارسال گردید. ما اصولی و ضروری میدانیم نیروهایی که در کلیت خود در یک "قطب" قرار دارند و در مواردی سیاست نزدیک به هم در قبال شکل سرنگونی رژیم و استقرار نظام سیاسی آتی دارند با همدیگر میتوانند و ضروری است حول مسائلی که جهت عمومی جنبش آزادیخواهی را تقویت میکند همکاری و هماهنگی داشته باشند، بدون اینکه مطلقاً در مقابل دیگر سیاستها و عملکرد همدیگر سازش کنند و ابزار نقد علنی و شفاف از همدیگر را کنار بگذارند. یعنی رعایت پرنسیپی که متأسفانه برخی از همین نیروها به دلیل نقد ما بر مواضع و سیاستهایشان و به دلیل خود بزرگ بینی های کاذب دوباره نشان دادن آنها به نیروی که نقد سیاسی کند، حاضر به "اتش بس" نباشد، حاضر به همکاری نیستند. اما ما یک شرط سلامتی سیاسی و تضمین کننده تحقق آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی و مانع تکرار اشتباه گذشته را دقیقاً بیان شفاف تفاوتها، اختلافات و نقد بدون تعارف سیاسی از همدیگر میدانیم!

در هر صورت با آگاهی کامل بر موقعیت کنونی رو به آن چپ گفتیم منفعت سراسری تر و عمومی تر جنبش ایجاد میکند برای تقویت مبارزه علیه فقر و گرسنگی و برای کمک به شکل دادن به روند سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و رسیدن به سوسیالیسم و آزادی، باید نهایت تلاشهای لازم را انجام داد. تا جایی که ممکن است جامعه با اقدامات و سیاست و صدای هماهنگ تری از جانب نیروهای که خود را چپ و کمونیست و سوسیالیست میخوانند روبرو شوند. حداقل حول چند محور کلیدی. ما به هیچ وجه دنبال آن "اتحاد" های معمولاً ناموفق که بخشی از همین نیروها سالیان طولانی است به آن مشغول هستند نبوده و نیستیم. مسئله ما امر مهم دیگری بود. در نامه خیلی روشن نوشته بودیم: "در این برهه از تاریخ سرنوشت واقعی سوسیالیسم، جنبش کارگری و صف آزادیخواهان و ما مبارزین بی وقفه ۳۹ ساله علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران تا حدود زیادی گره خورده است به نقش و عملکرد قطب چپ، طبقه کارگر و احزاب مسئول سوسیالیستی و کمونیستی در اپوزیسیون، که چکار میکنند، آیا باز هم تکرار سرنوشت و روند سال ۵۷ در شکل دیگری یا نه با درایت و آمادگی و روشن بینی کارگری-سوسیالیستی و طبقاتی جدی تری ابراز وجود میکنند؟ و به استقبال تحولات میرویم؟ آیا تحولات خودبخودی و نقش جنبشهای دیگر و راست است سرنوشت ما و جامعه را رقم می زنند یا برعکس اینبار این ما خواهیم بود که سرنوشت آنها و جامعه را رقم خواهیم زد!"

سوسیالیسم امروز: اجازه دهید ابتدا از نامه ای که حزب سوسیالیست انقلابی ایران در جریان اعتراضات اخیر برای نیروهای چپ فرستاده بود، سوال خود را شروع کنیم. لطفاً توضیح دهید که مضمون آن نامه چه بود و آنها چه عکس العملی نشان دادند؟

سلام زیجی: نامه ای که رفقای دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی برای احزاب و سازمانهای سیاسی فرستاده بودند انتشار بیرونی پیدا نکرده، این نامه که انتشار علنی پیدا نکرد به تاریخ ۱۰ یا ۱۱ دیماه ۹۶ (۱-۲۰۱۸) در واقع سه- چهار روز بعد از شروع اعتراضات اخیر، برای نیروهای چپ ارسال شده است. رهبری حزب در آن فاصله درگیر جلسات حزبی بود و یکی از موضوعاتی که وارد دستور رسمی رهبری حزب شد بحث چگونگی برخورد ما به این تحولات بود. مواضع متفاوت ما نسبت به بیشتر جریانات چپ در اطلاعیه رسمی حزب و مصاحبه ها و نشریه سوسیالیسم امروز بطور شفاف و روشن اعلام و منتشر شده است. هم به هدف کمک به پیشگیری از برخی مواضع نادرست نیروهای چپ و همچنین به هدف تقویت "قطب چپ" در مقابل بلوک راست اپوزیسیون و کمک به ایجاد صف مستقل سوسیالیستی بر این باور بودیم و فکر میکردیم که باید یک گام بیشتر رو به جلو نهاد و با نیروهای چپ، مستقل از دوری و نزدیکی های سیاسی و جنبشی مان، تماس گرفت و تا جایی که میتوانیم دیوار فرقه گرایی و سکت غالب بر چپ را در این تحولات به نفع جنبش طبقه کارگر و سوسیالیسم فرو ریخت.

فکر کردیم باید احساس مسئولیت بیشتری کرد به ویژه در دوره ای که ما شاهد بودیم مردم زحمتکش و جوان پرشور سینه خود را در مقابل گلوله قرار داده است و علیه فقر، فساد، گرانی و علیه حکومت اسلامی به میدان آمده است را باید بهتر سمت و سو داده شود. همه دیدند که چگونه ما سال ۵۷ در جریان قیام همگانی سیستم ساواک و تاج و تختشان را زیر پا له کردیم، اما همینها اکنون دوباره رفتند زیر سایه امسال ترامپ و شعارهای دست راستی و شونیستی و عقب مانده را بخورد بخشی از معترضین دادند. دیدیم که به سرعت انواع میدیا در اختیارشان گذاشتند و حتی "فعال کارگری" سابق را هر روز پای برنامه های زنده می نشانند که معترضین را به "انقلاب ملی" و "جنبش ملی" دعوت کند. خلاصه احساس کردیم همان بازی سال ۵۷ در شکل دیگری دارد تکرار میشود و میبایست در مقابلش ایستاد.

از این منظر و بنا به چنین احساس مسئولیتی، چنین نامه ای را برای جریانات چپ سرنگونی طلب مانند

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

تکرار سیاستهای سال ...

ما به شدت با محتوا و سیاست ناظر بر آن بیانیه مخالفیم. شما اگر از آن چارچوب کلیشه ای عمومی که میشود هر سال و در هر موردی در باب آزادیخواهی و مبارزه و اینکه جمهوری اسلامی باید سرنگون شود، که در بیانیه مشترک آن دوستان آمده، و اصولا غلط نیستند، صرفنظر کنید، اما وقتی به سیاست پایه ناظر به آنها و نگاهشان به این تحولات و به موارد کلیدی که باید یک نیروی کمونیستی مسئولیت پذیر، مسئولیت به خرج بدهد و نقش کمونیستی ایفا کند، نقش پیشرو کارگری سوسیالیستی داشته باشد، حقیت را نمایندگی کند و آگاه بر عدم تکرار اشتباهات سابق است، فکرمیکنیم هیچ یک از این اصول و پرنسب و مسئولیت پذیری در بیانیه آنها وجود داشته باشد. خط سیاسی ناظر به بیانیه مشترک بنظر کمکان کپی شده همان روش و منش و سنت دوره "جنبش همگانی سال ۵۷" است.

از راه چنین سیاستی نمیتوان نتیجه ای جز سال ۵۷ برای طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی بدست آورد. خط دنباله روانه ای که بدون کم و کاست همه جوانب آن "جنبش توده ای" را تأیید کرده اند. حتی هیچ نقدی ندارند به آن بخش از شعارهای ارتجاعی داده شده، هیچ تلاشی برای بیان همه حقیقتها و یا ایجاد صف مستقل آزادیخواهانه در بیانیه مشترک شان نمیتوان دید. نه فقط در "بیانه مشترک" که اطلاعیه های تک سازمانی قبلی آنها نیز، رد پای متفاوت تر از دوره چپ سنتی و پوپولیستی سال ۵۷ دیده نمیشود. به نظر من چنین رفتاری با تحولات سیاسی کنونی و "جنبش توده ای" و "انقلاب" ها، خاک پاشیدن به چشم طبقه کارگر و نیروی آزادیخواهی است که میخواهد بعداز کنار زدن رژیم فاسد اسلامی به نظام شایسته خود دست پیدا کند. بیانیه این دوستان یک بیانیه صرفا ضد رژیمی است. از اینرو با کسی جز رژیم دعوایی ندارد و تفاوتی بین منفعت جنبشهای مختلف و نیروهای درگیر قائل نیست. "تودها" و "مردم" را نیز از راه سیاست "همه با هم" به جنگ علیه رژیمی می فرستند که معلوم نیست چرا باید سر نگون کنند و چه چیزی را باید جایگزینش نمایند!؟

ما موظف هستیم با جامعه خود شفاف صحبت کنیم، یک نیروی سیاسی مسئول باید اشتباهات صورت گرفته معترضین و جنبش اعتراضی را بگوید. هم نقطه ضعفها و هم نقطه مثبتها را باید بیان کرد. تأیید هر چیزی که "توده ها" انجام دادن کلاه گذاشتن سر خود و همان توده ها است.

اشتباه فاحش و سیاست مضر دیگر دوستان، که به نظر من نباید قابل حمایت هیچ کارگر و سوسیالیستی در ایران باشد، سکوت آشکار و آگاهانه در رابطه با اپوزسیون راست از جمله جریان فاسد سلطنتی و مجاهدین است. به قول معروف کسی نمیتواند خودش را به کوچه علی چپ بزند و ندیده باشد در جریان تحولات سیاسی اعتراضی دیمه، جریانات دست راستی در اپوزسیون چگونه نقش منفی بازی کردند، و با حمایت دولتهای گردن کلفت پول دار چون امریکا و عربستان سعودی و میدیایی که در اختیارشان گذاشته اند، چگونه شعار و اهداف ارتجاعی را به سرو روی معترضین پمپاژ کردند. ادامه در صفحه ۹

دبیرخانه حزب ما از این منظر و از سر این احساس مسئولیت انسانی سیاسی و کمونیستی آن نامه را فرستاد و با عکس العملی روبرو شد که برای ما قابل پیش بینی بود و غیر منتظره نبود. اما در هر حال بنظر من عکس العمل مسئولانه ای نبود. برخی از آن جریانات "متمدن" حتی جواب نامه و یا رسید دریافت نامه را هم ندادند در حالی که صددرد صد دریافت کرده بودند، بعضی ها نیز رسید نامه را دادند اما کاری نکردند، بعضی ها نیز مسئولیت بخرج داده بودند که حداقل جوابی داده بودند و البته در جواب اشتباه آمیزشان گفته بودند که آنها موافق "اتحاد..." نیستند، در حالی موضوع و هدف نامه ما ربطی به "اتحاد" نداشت.

در مورد دیگری یکی از آن جریانها "نامه اشتباه آمیزی" فرستاده بود که اطلاعیه مشترکشان را امضا کنیم! یادآور شدیم که دوستان ما بیش از یک هفته است نامه ای برایتان فرستاده ایم لطفا اول جواب آنرا بدهید و غیره. بدین ترتیب در مقابل احساس مسئولیت سیاسی که داشتیم، و همچنان بقوت خود باقی است، متأسفانه ما با موجی از بی مسئولیتی آنها روبرو شدیم. در مقابل و بعداز نامه ما، همان نیروها در دو طیف هم خانواده، دو "بیانه مشترک" منتشر کردند. بیانیه های که دقیقا ما میخواستیم تلاش کنیم این چپ چنین ظاهر نشود، و همچنان بر طبل سیاستها و سنتهای که سال ۵۷ ناکامی آنرا تجربه کرده ایم دوباره نکوبند، متأسفیم که نتوانستیم جلوشان را بگیریم.

سوسیالیسم امروز: همچنانکه شما هم اشاره کردید اخیرا چندین حزب و جریان چپ اپوزسیون در دو دسته مختلف بیانیه های مشترک صادر کرده اند، شما اقدام آن جریانات و به ویژه محتوای موضع گیری سیاسی آنها را چگونه ارزیابی میکنید؟

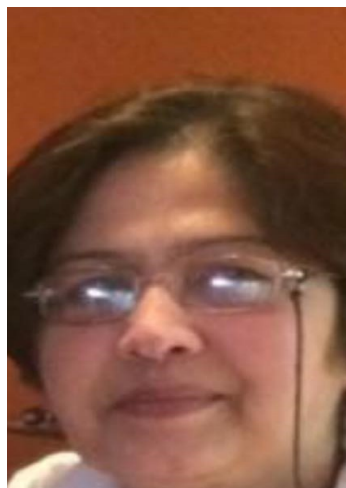
سلام زیجی: ما نه تنها با نفس بیانه مشترک دادن مخالف نیستیم، در مواردی آنرا ضروری نیز می دانیم. نیروهایی که سیاست و مواضع و سنت کاریشان با هم مشترک است، از جمله در برخورد به همین تحولات سیاسی و اعتراضی اخیر، لابد با همدیگر راحتتر کنار می آیند و کار میکنند. اما مسئله اساسی که باید جامعه و به ویژه کارگران به آن توجه داشته باشند، سیاست و اهداف ناظر بر چنین اقدامی است. نفس بیانه مشترک صادر کردن هیچ واقعیت و تناسب قوایی را تغییر نمی دهد، اتخاذ سیاست و پراکتیک واحد انقلابی و متفاوت میتواند به جنبش نیرو ببخشد، راه پیروزی را نشان بدهد و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی را هموارتر و ممکن تر کند. سیاست و اقدام ناظر به آن بیانیه ها، بطور مشخص بیانیه که با امضای جریانات موسوم به "کمونیست کارگری" و "حکمتیست" و "حزب کمونیست" و غیره منتشر شده است سیاست و مواضع بسیار اشتباه آمیز و پر مخاطره است برای جنبش طبقه کارگر و مبارزه برای روند سرنگونی رژیم و دستیابی به آزادی و برابری و سوسیالیسم.

گزارش حقوق بشر در افغانستان حاکی از آن است که خشونت زنان ۸,۶ در صد افزایش یافته است که مجموع خشونت بیش از ۱۵۰۰ مورد بوده که این خشونت ها فیزیکی ، روانی و جسمی میباشد.

نبود امنیت ، بیسوادی ، اعتیاد، فرهنگ معافیت از مجازات ، فساد اداری ، بی اعتمادی به نهاد های عدلی و قضائی و سنت های ناپسند از دلائل خشونت علیه زنان و دختران در این کشور عنوان شده است. از این رو لازم است تا همه باهم برای ادعای حق خود به پا برخیزیم و برای يك جنبش سراسری برای رهایی همه زنان آماده شویم. زنده باد آزادی زن، ننگ برای سنتها مرد سالارانه و مذهبی و کلیه رسم و رسوم و قانونهای ضد زن!

موج خشونت ها و ازدواج اجباری دختران در افغانستان!

ماریا یوسفزی



افغانستان يك کشور سنتی و مرد سالار است که ۴ و ۵ دهه جنگ و آواره گی و فقر و شرایط نامناسب زندگی ملت دچار سراسیمگی زیاد شدند در این شرایط بزرگترین ضربه را زنان و دختران و کودکان این کشور متقبل شده اند.

مشکل اساسی که دامن گیر این سرزمین و مردمش شده است ، در قدم نخست مسأله عمده سنت های ناپسند و مسائل مذهبی و جهالت است که دختر ۹ ساله را در بدل پول در نکاح مرد پنجاه ساله در می آورند. و همچنان فروش دختران و کودکان در شرق افغانستان مروج شده و خشونت در برابر زنان و دختران و سوء استفاده و تجاوز جنسی از دختران و بچه بازی، يك پدیده شوم و شرم آور دیگری است که جامعه را تحت شعاع خود قرار داده است .

شرم آورترین قانون که رسم شده ، سنگسار، دره زدن در محکمه صحرايي و تیر باران و دختر را در بدل دختر دیگر دادن است. و همچنان به زنان بیوه حق ازدواج دومی را نمیدهند . خانواده شوهر تصمیم میگیرند و همچنان کودکان خورده سال در بدل قتل های ناموسی و جنایی، تبادل می شوند.

تمام این سنت های مذهبی ، جامعه را هشتاد در صد به عقب کشانده که زن و دختر را جنس دوم می شناسند. اصلاً زن و دختر از خود هویت ندارند. بنام مادر فلانی خواهر فلانی ، بنام کوچ سیاسر صدا میزنند و هیچ حقوقی برای شان قائل نیستند . نظر به گذارش یونسف کودکان زیر سن ۱۶ در افغانستان ۵۷ درصد افزایش یافته است که آمار مرگ و میر کودکان خورده سال بیشتر است و بخاطر زایمان زودرس زندگی شان با خطر مواجه میشود.

اینجا میتوان در مورد خشونت در برابر زنان به يك مثال از خشونت با زنان در شمال افغانستان اشاره کرد که يك مرد بینی همسر خود را با چاقو بخاطر بدنیا آوردن کودک دخترش برید.

رخشانه نوجوان ، دختر دیگر است که در غرب افغانستان توسط خانواده شوهرش سوخته شد ، و یا اینکه در مورد دیگری هم آلت تناسلی زنی توسط شوهرش بریده میشود و در جغرافیای دیگری و در زیر سقف شهر کابل ، خانم جوانی توسط شوهرش کشته شد . در مورد خشونت علیه زنان در زیر سقف کشور افغانستان می توان به موارد زیادی اشاره کرد که شاید در حوصله این گفتار نباشد . مثالهای بیشماری که گنجایش نوشتن آن شاید به سالها کار نیاز داشته باشد تا بتوان همه واقیعت زندگی زنان و دختران افغانستان را در کتابهایی به تصویر کشید.



نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

روحانی یک مهره جنایتکار و دروغگو!

ابراهیم باتمانی



وحشیگری هم دریغ نمیکنند. هذیان گویی های روحانی ناشی از این واقعیت است. او از سوی باید معترضین را آشوبگر و تحریک کننده دست بیگانه گان معرفی کند، و از سوی دیگر دروغ بگویند و از حق اعتراض سخن بگویند، اما در واقعیت امر مانند بقیه سران رژیم در پشت درهای بسته رهبری سرکوب معترضین را بر عهده خواهند داشتند.

روحانی آشکارا عوامفریبی میکند و دروغ تحویل جامعه می دهد. در سیستم حکومتی جمهوری اسلامی چیزی به نام حقوق انسان معنی نداشته و ندارد و دیده نمیشود تا روحانی و یا هر کس و کسانی از آن دفاع و یا صحبت کنند. باید امروز از آخوند روحانی پرسید که آیا واقعا قانونی در ایران اسلام زده امروز میتوان مشاهده کرد؟ آیا روحانی میتواند به چه نوع قانونی اعتقاد داشته باشد و باید از خود ایشان سوال شود که آیا منظور از قانون کدام سیستم از قانون می باشد و قانونی که شما امروز از آن پیروی میکنید در کجا مشروعیتش را گرفته است؟ امروز روحانی از آزادی اعتراضات مردمی سخن به میان میآورد در حالی که فقط در دوره ایشان ما شاهد بیش از ۳ هزار و ۸۰۰ اعدامی بوده ایم. در حکومت جناب آقای روحانی ما هر ۸ دقیقه یک اعدامی داشته ایم و و پشت هر عددی یک انسان وجود داشته است که منتظر حکم در دادگاههای دولت جناب روحانی بوده است.

اجازه دهید قبل از اینکه جوابی به سوال طرح شده داشته باشم نکاتی را هر چند کوتاه در رابطه با سیستم موجود در جامعه را متذکر شوم. نخست اینکه ما امروز شاهد چه نوع سیستم و ساختاری از حکومت در سراسر جهان هستیم و چه نظام و سیستمی مشاهده میکنم که قدرت را در دستان خود قبضه کرده است؟ جوابش برای همه روشن است. سیستمی که امروز زندگی را به کام میلونها انسان تلخ کرده است، چیزی نیست جز سیستم فاسد سرمایه داری. اساس و پایه و قانون و سیاست این سیستم، استثمار انسان بدست انسان و سود بیشتر به جیب زدن از دسترنج کارگران و زحمتکشان در سطح این دنیای تاریک و دروغ و ناعدالتی است. افزایش نرخ بیکاری، سقوط دستمزد واقعی کارگران، کاهش خدمات اجتماعی و پایین آمدن سطح زندگی طبقه کارگر و پایمال کردن حقوق اولیه انسانها از دستاوردهای سیستم سرمایه داری میباشد. سرمایه داری ایران نیز از این قاعده متنثنی نیست و جمهوری اسلامی و تمام بورژوازی حاکم در ایران در خدمت این سیستم و این نظام و قانون کثیف و ضد انسانی بردگی انسان بدست انسان می باشد.

روحانی و هر جلادی دیگری که در نظام جمهوری اسلامی حاکمیت میکند و بر مسند قدرت نشسته باشد به این سیستم اعتقاد داشته و آنرا پیروی میکند و به پیش میرود و برای به سرانجام رساندن آن از هیچ جنایت و

تجمعات و اعتراضات هفته های اخیر "واکنش های مختلفی" را از سوی مقامات جمهوری اسلامی برانگیخت. برخی آن را "مطالبات قانونی" خوانده و برخی دیگر نیز آن را "فته" نامیده اند. اما در عمل همه شاخه های حاکمیت در راه سرکوب و کشتار معترضین و گسیل نیروی سرکوب یک نقشه و یک "گفتمان" واحد داشتند.

خامنه ای تظاهرات ضد حکومتی را به آمریکا، اسرائیل و تلوینا به عربستان نسبت داد، روحانی نیز مردم معترض را یک عده آشوبگر خواند که به خواست دشمنان و بدخواهان نظام اسلامی به مقدسات و پرچم کشور اهانت کرده اند. همین آخوند روحانی در واکنشی دیگر گفتند که هر کس آزاد است و می تواند تظاهرات کند، اما باید مجوز داشته باشد و از راه قانون وارد شود. جالب است که یکی دیگر از سران جنایتکار جمهوری اسلامی به اسم احمدی نژاد نیز درخواست مجوز راهپیمایی کرده بود، که بنظر میرسد این شیادی را در درون خودشان کنترل کرده اند. اما سوال این است که منظور روحانی که از معترضین به اسم "اشوبگر" یاد کردند و گفت "نیروهای امنیتی اوضاع را کنترل کرده اند" از "آزاد بودن" و "مجوز قانونی" داشتن چیست؟

نباید فراموش کرد که جمهوری اسلامی در طی ۳۹ سال گذشته در کنار بساط سرکوب و زندان و شکنجه و به خون کشیدن هر اعتراض و ندای آزادیخواهانه با کمک جنایتکارهایی از نوع روحانی شاید شدیدترین مجازاتها را برای مخالفان خود بکار گرفته است. از کشت و کشتار گرفته تا قطع دست و پا و آواره کردن انسانها. روحانی و خامنه ای و سران ریزو درشت رژیم و سرداران سپاه و شکنجه گران آدم کشان و دزدان صراحت و جرعت این را ندارند بگویند که قانون و سیستم ما ربطی به جامعه ایران ندارد. و این قانون شریعت اسلام است و مال قرن حجر میباشد.

باید پرسید از سران این حکومت جنایتکار این همه نیروی سرکوبگر مثل ارتش و سپاه و نیرو انتظامی و حراست و نهی از منکر و لباس شخصیها و سربازان گمنام امام زمان و مهدی و گله های آخوند مفت خور و زنجیر به دستان و قمه کشان و شکنجه گران و خواهران زینب و حزب الله اسید پاشان و غیره را برای چه درست کرده اید؟ برای دفاع از "حقوق شهروندی"؟

باید پرسید با اجازه کی و با کدام نظر سنجی که مورد

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

روحانی یک مهره ...

تائید اکثریت مردم ایران باشد، شماها پول و سرمایه مردم را خرج شیعه گستری و یمن و سوریه و حزب الله لبنان و عراق و غیره میکنید؟

باید از این جنایت کاران پرسید چرا لیست صدها هزار انسان اعدام شده را علنی نمیکنید؟ باید پرسید از این حکومت جانیان این همه معتاد و فحشا و کارتون خواب و کودکان خیابانی و بی سرپرست کی عاملش بوده؟ باید از سران این حکومت پرسید این همه سرمایه انباشته شده در ایران و در خارج از کشور را از کجا آورده اید؟ باید پرسید از این نماینده کان خدا و نمازخوانهای حقه باز و جلااد چرا پولهای این مردم را برده اید و به کسی هم جواب پس نمیدهید؟

باید ازشان پرسید چرا سرمایه های خودتان به مردم گذارش نمیدهید؟ باید پرسید از جلاادان زندگی شماها و اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمت کشان و محرومان ایا مثل هم است؟ باید پرسید در زیر این قوانین که به اسم مردم رنج دیده ایران مثل پوتک میکوبند تو سرشان عامل این همه بیکاری و گرانی و مشقات و کمر شکن چه کسانی هستند؟

باید از سران این رژیم جنایت کار پرسید چرا رهبران کارگران و معلمان و نویسندگان و شاعران و مدافعان حقوق زنان و رضا شهبانی ها و دیگر فعالان مدنی در زندانهای شما بسر میبرند؟

باید به روحانی و سران کل نظام گفت ننگ بر قانون و حکومت تان! باید تاریخ و حاکمیت این جنایتکاران را به پایان رساند! کارگران و زنان و جوانان و آزادیخواهان و کلیه انسانهای شرافتمند راهی جز سرنگون کردن کلیت این رژیم فاسد و دزد و آدمکش را پیش روی خود ندارند. مرگ به جمهوری اسلامی!، زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

تکرار سیاستهای سال ...

ولی انگار این دوستان ما در کره مریخ هستند و فکر میکنند "انقلاب" تکلیف همه شون را روشن می کند!

اینا رفتند یک تئوری کاملا مضحک، که من اینجا اسمش را میبرم، و تئوری تئوریزه شده فوق العاده دست راستی که رفیق حمید تقوایی نمایندگی میکند، به سیاست غالب بیانیه آنها تبدیل کرده اند. آنهم اینکه گویا "اپوزسیون منتقد، اپوزسیون نیست" و "اشکالی هم ندارد سران دولتهای دیگر از مبارزات مردم حمایت کنند". همین تئوری به ما گفت سال ۵۷ خمینی را نقد نکنیم، اسلام را نقد نکنید، نباید "اپوزسیون اپوزسیون" شد، چون آزمون خمینی اپوزسیون بود. دلیل سکوت مطلق در رابطه با نقش منفی نیروهای راست ملی اسلامی از جمله تحرک امثال ولید و رجوی از سوی امضا کنندگان بیانیه مشترک نامبرده ناشی از افتادن دوباره شان به دام همان تئوری باقیهای عوامفریبانه و راست و ضد حقیقت است. سکوت این سنت پوپولیستی و مردم گرایانه تا جایی عمل نمود که در قبال آسیبی که همین نیروهای سلطنتی و مجاهد به جنبش اعتراضی اخیر زدند یک کلمه هم اعتراض نداشتند. چون قراره همه آنها با هم رژیم را سرنگون کنند، بعدا هر چه خواهد شد بزار بشود.

ضرباتی که به جنبش اعتراضی اخیر ۷ دی ماه وارد گردید، اگر چه قطعا از جانب جمهوری اسلامی صورت گرفته اما در سطح دیگری نقش مخرب آنها را نمیتوان دست کم گرفت. از طرح شعارهای بی ربط به اعتراض کنندگان تا پخش اخبار دروغ تا به جلو انداختن "فعال کارگری" سابق و فراخوانش به جنبش "همبستگی ملی" و اینکه گویا بنا به گفته ربع پهلوی این ولیعهد نظام فاسد نر سالاران "جوانان امروز ایران از پدر و مادر هایشان شنیده اند که زمان سابق (شاه) خوب بود"، همه دال بر ایفای نقش مخرب، اطلاع رسانی دروغ و سو استفاده و هدایت اعتراض بر حق علیه فقر و فساد و حاکمیت اسلامی به سوی استراتژی این نیروها در سایه امثال ترامپ، کارگر و کمونیزم مسئول درست در چنین مقطع هاست باید حرف خود را با صدای بلند بزند، نه کر و کور باشد و به دام عوامفریبان به افتد! ما موظفیم به جامعه بگوییم که کثافت جمهوری اسلامی نباید ما را وادار کند تن بدهیم به دیگر جریانات مرتجع سرنگون شده دوران قرون وسطایی مثل سلطنت و پهلوی و یا مذهبیون در قالب دیگر. این استقبال از شکست و ناکامی دیگری است نه پیروزی بر جمهوری اسلامی. این خط و رفتار سیاسی منفی و مضر و سازش طبقاتی با اپوزسیون بورژوازی به خاطر به اصطلاح یک منفعتی دیگر، در ضدیت کامل با منفعت جنبش کارگری و صف مبارزه رادیکال و سوسیالیستی است.

مورد دیگر نوعی سکوت کردن بیانیه این دوستان در مقابل دولتهای مرتجع است. که این هم ناشی از همان تحلیل و تئوری بافی های بورژوا -پوپولیستی ضد رژیم گری صرف است که فکر میکنند "هر کسی مخالف دشمن من باشد" حتما به نفع است. در حالی که آن مخالفها نه برای پیروزی چپ و آزادیخواهی بلکه دقیقا در جهت کنار زدن آنها و شکل دادن به آلترناتیو مورد نظر دیگری است. در نتیجه موافقت امثال ترامپ با "مردم ایران" را به هیچ عنوان نباید مثبت ارزیابی نمود. و اصلا امیدوار کردن جامعه به چنین "حمایت های" یک سیاست مخرب و غیر انقلابی است. در اطلاعیه این دوستان با لحن تند به دولت روسیه تاخته اند. البته حق خودشان است، ما هم مخالف جدی نقش مخرب حزب الله و دولت روسیه در حمایت از حکومت اسلامی هستیم. اما برای یک جریان خواهان انقلاب سوسیالیستی در ایران میتواند به همان اندازه که روسیه امروز پشت جمهوری اسلامی رو گرفته ترامپ و هیئت حاکمه امریکا که ظاهرا پشت جمهوری اسلامی قرار نگرفته، به مراتب مخاطره آمیز تر، ضد انقلابی تر، ضد کمونیستی تر، و از نظر آلترناتیو سازی دست راستی، ضد کارگری و ضد سوسیالیستی در ایران، دولت امریکا، مانند همه تاریخ و تجارب پیشین به مراتب برای جنبش ما مخاطره آمیز تر است. سکوت معنادار و یا پرهیز از یک نقد شفاف و آگاهگرانه در باب چنین موضوع بسیار سر نوشت سازی تکرار دوباره همان سیاست گذشته و تسلیم شدن آن چپ به "واقعیت" نقش دولتهای غربی، از جمله امریکا در تعیین سر نوشت آینده ایران و یا اینکه از این مسیر بهتر میتوان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد!

ادامه در صفحه ۱۴

واقعیت سانچی چیست؟

دانیال عبادی

متاسفانه از خبر مرگ کارگران و کارکنان عزیزمان که عضو يك كشتي نفتکش به نام "سانچی" بودند، مدتی میگذرد. با اشاره به اتفاق رخ داده در حادثه سانچی به نتایج مبهم و متناقضی می رسیم که در ادامه به اتفاقات مرموز حادثه نفتکش سانچی اشاره میکنیم چرا که هر طور به قضیه نگاه میکنیم، امکان وقوع چنین واقعه ای با توصیفات رژیم جمهوری اسلامی بسیار کم و بر فرض درست بودن اظهارات، جان باختن همگی سرنشینان کشتی بسیار دور از انتظار بود.

۱- کشتی چینی

در ساعات اولیه وقوع حادثه، تصاویری از آتش گرفتن نفتکش سانچی بر روی خروجی خبرگزاریهای رژیم جمهوری اسلامی رفت و چنین اعلام شد که يك كشتي چيني با نفت کش سانچی برخورد کرده است. اما با توجه به تصاویر گرفته شده خبری از کشتی چینی که به سانچی برخورد کرد در تصاویر نبود و شرح واقعه اینطور عنوان شد که کشتی چینی به موتورخانه سانچی برخورد کرده و موجب انفجار در آن شده است و نکته قابل توجه این است که خبر نجات جان تمام خدمه چینی کشتی چینی تایید شد ولی آمار کشته های سانچی تکذیب و با عنوان مفقودین از آنها یاد شد.

۲- موتور خانه کشتی

طبق اظهارات رسانه های رژیم کشتی چینی با موتور خانه کشتی سانچه برخورد کرده و موجب انفجار و آتش سوزی شده است. نکته قابل توجه با توجه به تصاویر این است که آتش سوزی در نقطه تقریباً میانی کشتی صورت گرفته در حالیکه موتور خانه کشتی در آن قسمت قرار ندارد اما با فرض اینکه این نقطه موتور خانه کشتی است در هنگام آتش سوزی همه سرنشینان کشتی در موتور خانه بوده اند؟ احتمال این امر خیلی دور از انتظار است و باور آن سخت.

۳- امکان برخورد دو کشتی با یکدیگر

در عصری زندگی می کنیم که دنیای ارتباطات خطاب می شود نکته مبهم دیگری که در این حادثه وجود دارد این است که چطور ممکن است با وجود فناوری های نوین ارتباطی در دریانوردی، دو نفتکش ایرانی و چینی یکدیگر را در رادار رصد نکرده باشند و به طور عمود با هم برخورد کرده باشند؟ حتی اگر امکانات رادویی هر یک از کشتی ها هم ایراد پیدا کرده باشد باز هم خدمه دو کشتی که بر روی عرشه قرار داشتند به سادگی میتوانند مسیر حرکت دو کشتی را تشخیص دهند و شاید حتماً در هر دو کشتی آژیر

خطر به صدا در آمده و امکان اینکه همه خدمه دقیقاً در نقطه ای جمع شوند که قرار است برخورد اتفاق بیافتد صفر است! از هر بعدی به قضیه نگاه کنیم امکان برخورد دو کشتی قابل اجتناب بوده و حتی اگر به هر علتی این اتفاق هم در حال رخ دادن بوده، خدمه روی عرشه می توانستند با چشم خود حادثه را ببینند و خود را به نقطه ای از کشتی برسانند که با محل اصابت فاصله دارد و با علم به این موارد امکان فوت همه خدمه چیزی نزدیک به صفر است؛ حال چطور همه خدمه نفتکش ایرانی جان خود را از دست داده اند و تمامی خدمه کشتی چینی زنده مانده اند یکی از نکات مبهم و مرموز این اتفاق است که بایستی از مسوولان رژیم پرسید.

۴- ممنوع المصاحبه بودن چینی ها

نکته بحث برانگیز دیگر ممانعت از مصاحبه کارشناسان ایرانی با خدمه نجات یافته کشتی خیالی چینی است. شاید مصاحبه با عوامل کشتی خیالی چینی گره بسیاری از ابهامات را باز کند.

۵- قایق های نجات

در کشتی های غول پیکر مخصوصاً نفت کش ها به طور قطع با توجه به قابل اشتعال بودن کشتی امکانات اضطراری از جمله وجود قایق های نجات کوچک تعبیه شده است. با توجه به تصاویر حتی يك قایق هم مشاهده نمی شود. باز هم باور اینکه تمامی خدمه در موتورخانه بوده اند غیر قابل تصور است.

۶- فریب اذهان عمومی

با توجه به مستندات موجود به قطع چنین واقعه ساختگی باورش غیر ممکن و باز هم با احساسات مردم بازی شده و چیزی جز فریب اذهان عمومی و به سخره گرفتن ملت در پس پرده تراژدی ساختگی رژیم پنهان نیست.

پرسش من این است:

«هرگز به فکرتان رسیده است که این سرزمین مال ماست»
مال کسی است که بخش بزرگی از آن را در اختیار دارد
پرسش من این است:
«هرگز به فکرتان رسیده است دست هایی که در این سرزمین کار می کنند مال ماست»

و حاصل آن نیز مال ماست
حصارها را ویران کن آنها را درهم بکوب

این سرزمین مال ماست

به پدرو ماریا، به خوان خوزه
اگر آواز کسی را آزار می دهد
اگر کسی باشد که تحمل شنیدن
آواز را نداشته باشد

اطمینان داشته باشید که او یک
یانکی است

یا یک مالک و فنودال بزرگ
کشور است

حصارها را درهم بکوب

شعر کیوتری است در جستجوی
آشیانه

رها می شود و بال می کشاید تا
پرواز کند،

پرواز

آواز من آوازی است آزاد و رها
که ایثار می کند به آن که به پا
خاسته است

به آن کسی که قصد پرواز به
بلندای جاودانگی دارد

آواز من زنجیری است که نه
بدایتی دارد و نه نهایتی

در آواز من تمام مردم را خواهی
یافت

چرا که آواز کیوتری است که برای
رسیدن به دریا پرواز می کند
رها می شود و بالهایش را می
کشاید تا پرواز کند ...

ویکتور خارا



عزیز آجیکند

۱۵ روز مقاومت ، ۱۵ روز کشتار..!

بیش از چند سال است که حکومت های مرتجع منطقه ای مانند ترکیه و عربستان سعودی و ایران و عراق و همچنین آمریکا و روسیه و دولت اسد و داعش در راستای اهداف خود و جنگ نیابتی که با همدیگر دارند مردم بی دفاع و همچنین تلاش آزادیخواهان که به دنبال تامین زندگی بدور از تفرقه قومی و ملی در سوریه و ایران شده هستند سرکوب و دچار مشکلات فراوان کرده اند. مردم بی دفاع را قتل عام کردند ، کودکان را کشتند ، خانه های مردم را هدف حملات هوایی ارتشهای جنایتکار خود قرار دادند. گروههای تروریست و تندرو اسلامی را علیه زندگی مردم زحمتکش و انقلابیونش شوراندند.

هزاران خانواده را آواره و محتاج دولتهای سرکوبگر کردند و هر روز به بهانه ای جنایتی آفرینند. از آنزمان سوریه عملاً به میدان تاخت و تاز و دخالت قدرت های منطقه ای و جهانی تبدیل شده است.

این حکومت ها با دامن زدن به گرایش های ارتجاعی، با زمینه سازی جهت دخالت نظامی، افق پیشروی جنبش حق طلبانه تودهها را تیره و تار کرده اند. دیروز از کوبانی شروع کردند و امروز قدرت جنایتکارانه خود را در عفرین محک می زنند.

در این مدت و در این چند سال دولت روسیه در حمایت از رژیم دیکتاتور بشار اسد در سوریه از هیچ تلاشی فروگذاری نکرد. رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز مبارزات مردم سوریه، به پشتیبانی از اسد پرداخت و جدا از کمک های تسلیحاتی و تدارکاتی، واحدهایی از نیروهای سپاه پاسداران را نیز برای سرکوب مردم معترض به این کشور اعزام نمود. "حزب الله" لبنان در پشتیبانی از حکومت سوریه وارد این جنگ شد تا تناسب نیرو در جبهه های جنگ را به نفع رژیم بشار اسد تغییر دهد. در مقابل آمریکا نیز توانست رهبری غالب بر جنبش آزادیخواهان در کردستان سوریه را به سایه خود کشانده، از طریق آنها داعش را تا حد زیادی پاکسازی نموده، تناسب قوای در مقابل روسیه ایجاد کرده، و اما اکنون خود نظاره گره کشتار آنها و خانوادههایشان در عفرین بدست دولت فاشیست ترکیه و همپیمان داعش است.

اما با ورود آمریکا به آنجا و همراه شدن با نیروی مسلح پی دی دی علیه داعش و رویداد کنونی عفرین هم نشان می دهد این معادله و دوری کردن از "دو قطب ارتجاعی" به هم خورده است. در دل این بحران و جنگ و کشمکش خونین، تجربه کردستان سوریه، با وجود نقاط منفی و کمبودهای که دارد و اشاره گردید، علیرغم خطراتی که از درون و از بیرون آن را تهدید می کنند، جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد. تجربه کردستان سوریه که در جریان آن مردم کارگر و زحمتکش در دل یک بحران سیاسی این امکان را یافته اند که حکومت خود مدیریتی خود را برپا کنند و با سازماندهی یک ارتش مسلح توده ای از دستاوردهای خود دفاع کرده و تهاجم یک نیروی فوق ارتجاعی و تا دندان مسلح مانند داعش را در هم شکنند نه تنها برای سوریه بلکه برای خاورمیانه و جهان غرق در بحران امروز نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

امروز دولت فاشیست ترکیه بیش از دو هفته است که به قلدری خود در این منطقه ادامه میدهد و با حمایت متحدین منطقه ای اش و در میان سکوت ژورنالیسم اجیر غرب یک جنگ تمام عیار را به مردم عفرین تحمیل کرده است. مقاومت مردم زحمتکش عفرین در مقابل حامیان ارتجاع، از همان مشروعیتی برخوردار است که حماسه مقاومت کوبانی در مقابل داعش از آن برخوردار بود.

در این کشمکش ها جامعه سوریه دچار چند دستگی و تفرقه شد و شعله ور شدن آتش کینه و نفرت قومی و مذهبی جای همزیستی صلح آمیز را گرفت. فضای جامعه به شدت جنگی و ناامن شد و سوریه عملاً به میدان کشمکش قدرتهای منطقه ای و جهانی تبدیل گشت. البته در این میان کردستان سوریه که توانست خودش را از شعله های جنگ این دو قطب ارتجاعی دور نگاه دارد تا دوره اخیر سرنوشت متفاوتی پیدا کرده بود.

لذا دست بردن به ابتکار عمل مبارزاتی برای حمایت از مردم زحمتکش عفرین و کردستان سوریه و شرکت در حرکت های اعتراضی در خدمت جبهه آزادیخواهی مردم کردستان و مردم خاورمیانه علیه یکی دیگر از جبهه های ارتجاع سرمایه داری در منطقه است.

امروز در جلوی چشمان همگان دولت های ترکیه و آمریکا و روسیه و سوریه و رژیم جمهوری اسلامی برای تبدیل کردن دستاوردهای مبارزاتی در کردستان سوریه در خدمت استراتژی و رقابتهای خود تلاش می کنند و برای رسیدن به چنین اهدافی از هیچ جنایتی پرهیز نمی کنند. عفرین اکنون در معرض توطئه ها و خطرانی از جانب آمریکا و روسیه و دولتهای منطقه است.

حمایت و پشتیبانی افکار عمومی و بشریت مترقی از مقاومت توده ای مردم عفرین میتواند نشانه تنفر و انزجار عمیق آنان نسبت به دخالتهای قدرتهای سرمایه داری و دولتهای مرتجع و جنایتکار در منطقه باشد.

www.simroz.
org

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن رابازبان مادری بخوانیم)

سهراب کرمانشانی

سوره بقره. (آیه ۷۷ و ۷۸) آیا نمیدانند که خدا میدانده آنچه را پنهان داشته و هرچه را آشکار سازند بعضی عوام یهود که چیزی نیاموخته و تورا جز آمال و آرزوی باطل خود نپندارند و تنها پایست خیالات خام و پندار بیهوده خویشند....

اگر شما میدانید ما بیاموزید ما میپذیریم ولی متا سفانه دروغ میگوئید و میخواهید بی جهت نیروی فوق خود را که ساخته تخیل باطل دینداران است بیهوده بزرگ نمایید بخاطر بردگی و استثمار انسانها و شماها چه چیز پنهانی را دارید که ما نمیدانیم، پنهان کاری از جمله خصوصیات زشت و پلیدی است که همیشه دین و دینداران از این سلاح مخوف استفاده کرده اند و چه چیزی را شما آشکار ساختید جهت ارتقاع بشر و رفاه سطح زندگی آن؟؟
در اینجا کتاب قرآن میخواهد به نوعی وانمود کند که نیروی مافوق انسانی به موسی دلگرمی میدهد...

(آیه ۷۹) پس وای بر آن کسانی که چیزی بنام کتاب تورات از پیش خود نوشته آنگاه بخدای متعال نسبت میدهند تا آنرا به بهای اندک و (متاع ناچیز دنیا) بفروشند پس وای بر آنها از آنچه نوشته و آنچه بدان کسب میکنند. ادیان ابراهیمی کوچکترین ترحمی به همدیگر ندارند دین اسلام آیین یهود را منع میکند و دین مسیح هر دورا، آیا این نیروی برتری بود که از آن دم میزدید، شماها در واقع خود منافقین هستید.

(آیه ۸۰) و یهود گفتند که هیچ وقت خدا ما را در آتش عذاب نکند جز چند روزی محدود، بگوبه آنان آیا بر آنچه دعوی میکنند عهد و پیمانی از خدا گرفته اید که آن عهد مسلم بیاید و هرگز تخلف نکند یا چیزی بخمال جاهلانه خود بخدا نسبت میدهید. یکی از مهمترین ترفندهای ادیان ابراهیمی به تصویر کشاندن نیروی تخیل و توهم در اذهان عمومی بوده است که فقط رهبران دینی میتوانسته اند با او رابطه داشته باشند که رهروان دین از این موهبت محروم بوده و هستند در ضمن آیاتی که بر ضد قوم یهود در قرآن آمده به هیچ وجه در تورات اشاره ای به آن نشده دین اسلام خود به نوعی فرافکن ترین و تفرقه افکن ترین دین دنیاست.

(آیه ۸۱) آری هر کسی اعمالی زشت اندوخت و کردار بد به او احاطه نمود چنین کس اهل دوزخ است و در آن آتش به عذاب جاوید گرفتار باشد. رهبران ادیان ابراهیمی تا محذبه گونه ایی فبیح و دردناک برای استثمار انسانها در راستای بدست گرفتن قدرت از این ابزارها به نوعی متوهم و وحشتناک استفاده کرده اند، مگر ما چه وامی از جهان هستی دریافت کرده ایم که

باید برای يك زندگی ساده و بخاطر عدم آگاهی و بیایک اشتباه و خطای كوچك بعد از گذران عمری کوتاه میایونها یا میلیاردها سال و به قول خودشان جاودانه در آتش بسوزیم!!

(آیه ۸۲) و آنهایی که ایمان آورده اند و کارهای نیک و شایسته کرده اند آنانرا بهشتند و در بهشت جاوید همیشه متنعم خواهند بود. مطمئنا اگر آنز مان قوم یهود و نوزدیگان بموسی و حتی خود موسی میدانستند که ادیان ابراهیمی چنین کشتارها و فساداتی که امروزه حاکم بر جهان خواهد شد در همان نطفه دین راخته و بجای آن نسخه ایی از انسانیت صداقت و مهربانی را جایگزین آیین توهم و توهمش میکردند.

(آیه ۸۳) و یاد آرید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که بجز خدای را نپرستید و نیکی کنید در باره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران بزبان خوش با مردم تکلم کنید و نماز بپای دارید و زکوة مال خود بدهید پس شما طایفه یهود عهد شکسته و روی گردانیدید بجز چند نفری و شما میدیکه از حکم خدا برگشتید. این سخن یعنی اینکه برده نیرویی شویید که من میگویم تابوتم به این روش حکومت کنم، در حقیقت کتاب قرآن برای به زیر کشیدن قدرت انسانها از ابزار و وسیله ایی استفاده کرده که مردم آن زمان کمتر شناختی از تاریخ ادیان داشته اند و همین عدم آگاهی سبب شد تا استعماری نوین و دیکتاتوری خون آشام بنام اسلام ظهور کند.

(آیه ۸۴) و بیاد آرید هنگامی که عهد گرفتیم از شما که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از خانه و دیار خود نرانید پس به آن عهد اقرار کرده و گردن نهادید و شما خود بر آن گواه میباشید.

انسانهای ماقبل دین اگر خلق و خوی اجتماعی بودن را نداشتند حداقل هم صداقت داشتند و هم وجدان، از زمانی که پدیده ایی بنام دین در زمین حکمفرما شد، قطع به یقین و عین هم کشتار و خونریزی زیاد شد هم اینکه استبداد و تجاوز جای پای خود را پیدا کرد، و اما ادیان ابراهیمی اللخصوص دین یهود و کتاب تورات در آن اشاره به این شده که خداوند حجت خود را بر بشریت به اتمام رساند دروغ بزرگی که در آیین عیسی و محمد هم بوضوح آمده و این مسائل نشانگر آنست که همه ادیان ابراهیمی به گونه ایی آشکارا کرامت و شخصیت انسانی را به سخره گرفته اند، کتاب قرآن و امپراتوری اسلام در حقیقت با فرمت کردن ادیان قبل و بعد از خود باعث ظهور نوعی از جهل و خرافه پرستی در جهان شد که در آن نمونه های بارزی از قصاص، جهاد، شهادت طلبی، حقوق نابرابر زنان و مردان، برده داری، دست به دست شدن حکومتها بصورت وراثتی، ترویج فساد و خوشونت، مال اندوزی بی حد و حصر حکام، بستن مالیاتهای سنگین به فقر از جمله زکاة فطره و خمس، گدا پروری، لشکر کشی و کشور گسای، و تفاسیر غلط از کتب دینی و به جامعه تحمیل کرده اند... ادامه دارد
زنده باد کارگر، نابود باد حاکمیت دینی، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی

حزب سوسیالیست انقلابی برای آزادی و برابری کامل زن و مرد و رهایی از همه خرافات، شونئات، قوانین مذهبی و سنن و فرهنگ مردسالارانه مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی ضد زن قدم نخست رسیدن به این هدف است. حزب، همه زنان آزادیخواه را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند

نه شاه، نه شیخ! زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

تصور کن

تصور کن هیچ بهشتی وجود نداشت
آسان است اگر بخواهی
زیر پایمان هیچ جهنمی نبود
و بالای سرمان فقط آسمان بود
تصور کن تمام مردمان دنیا فقط برای امروز زندگی می کردند
تصور کن هیچ کشوری وجود نداشت
تصورش سخت نیست
چیزی برای کشتن و کشته شدن وجود نداشت
و هیچ دینی هم نبود
تصور کن تمام مردمان دنیا در صلح زندگی می کردند
شاید مرا خیال پرداز بخوانی
ولی من به تنهایی اینطور فکر نمی کنم
در آرزوی روزی هستم که تو نیز به ما بپیوندي
و دنیای همه ما یکی شود
تصور کن هیچ مالکیتی وجود نداشت
بعید می دانم بتوانی حرص و طمع وجود نداشت و البته هیچ گرسنه ای
و انسان ها برادرگونه می زیستند
تصور کن تمام مردمان دنیا تمام دنیا را با هم قسمت می کردند
شاید مرا رویا پرداز بخوانی
ولی من به تنهایی اینطور فکر نمی کنم
در آرزوی روزی هستم که تو نیز به ما بپیوندي
و دنیای همه ما یکی شود.

«جان لنون»

تعیین حداقل دستمزد کارگران

در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگری است!

حداقل دستمزد کمتر از ۴-۵ میلیون تومان برابر با
تحمیل زندگی مجدد بردگی و تداوم استثمار وحشیانه
کارگران از سوی دولت و کارفرمایان است.

خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی
و شورای عالی کار نهادهای کاملاً دولتی و
ضد کارگری هستند!

اکنون بیش از هر زمانی شرایط مساعدتر است که به

مناسبت مبارزه واحد برای افزایش "حداقل دستمزد ۹۷"

اقدام مشترک طبقاتی سازمان داد. حول این امر مهم

اتحاد صفوف جنبش و پایه های واقعی تشکیل سراسری

کارگری را بنیاد گزاری کنیم.

تشکیل بر آمده از اراده کارگران چند مرکز مهم کوچک و

بزرگ، که چند میلیون یا چند صد هزار کارگر عضو داشته

باشند. به رسمیت شناختنش از سوی دولت اصلاً مهم

نیست، چرا که با قدرت خودش واقعیت خود را تحمل

خواهد کرد.

طبقه کارگر ایران امروز برای کسب حداقل دستمزد ماهانه

مورد نظر خود و بیرون کشیدن این حق از حلقوم دولت و

کارفرما که، در شکل عوامفریبانه شورای عالی کار حضور

دارند، نیازمند چنین تحرک و اقدامات، و نیازمند انتخاب و

اعلام نمایندگان واقعی خود در مراکز کارگری بعنوان

طرف حساب اصلی با دولت و کارفرمایان ایران است!

(سلام زیجی)

سومین روز اعتراض
کارگران نیشکر هفت
تپه

اتحادیه آزاد کارگران ایران :
امروز صبح جمعه 13 بهمن 96
کارگران بخش های کشاورزی و
تجهیزات و کارخانه و نیروهای
رسمی بعد از سه روز اعتصاب
و اعتراض و بی پاسخی به
مطالباتشان دست به تجمع و
اعتراض در محوطه شرکت زدند
بنابر خبرهای ارسالی به اتحادیه
آزاد کارگران ایران کارگران
نیشکر هفت تپه که از روز
چهارشنبه 11 بهمن بعلت
مطالبات انباشته ی خود دست به
اعتراض زده بودند ،امروز نیز
دست از کار کشیدند و در جلوی
دفتر مدیریت تجمع کردند

به نقل از یکی از کارگران تا
کنون سابقه نداشته که کارگران
در روز جمعه هم اعتصاب کنند
و این اتفاق در امروز نشان از آن
دارد که برای گرفتن حق و حقوق
خود مصمم هستند و با وعده و
وعید دست از اعتراض
برنخواهند داشت

قابل ذکر است که کارگران
علاوه بر حقوق آبان ماه برای
مابقی همکارانشان ،حقوق آذر و
دی را نیز طلبکار میباشند و با
توجه به مدت زمان کوتاه باقی
مانده تا پایان سال نگران این
هستند که مدیریت نتواند تمامی
مطالباتشان را بموقع پرداخت
نماید

امروز مدیریت صنعت شرکت
،آقای درخشانی که در میان
کارگران از محبوبیت بالایی
برخوردار است به میان کارگران
آمد و توصیه نمود که از
اعتصابشان دست بکشند اما
کارگران گفتند که آنان کماکان
خواهان پرداخت مطالباتشان
هستند و به اعتصاب خود ادامه
خواهند داد

اتحادیه آزاد کارگران ایران

تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگران است!

تکرار سیاستهای سال ...

اسم بردن تعارف گونه و سطحی از نقش ترامپ و دولت امریکا، بعد از توجه جدی و اولی شان به نقش مخرب روسیه، در بیانیه دوستان واقعیت نگاه مثبت این نیروها را به "مخالفت" دولت کنونی امریکا با جمهوری اسلامی به نفع خود و "جنبش گرسنگان" را نشان میدهد. سیاستی که به هیچ عنوان نباید آنرا مورد تأیید و حمایت قرار داد.

مورد چهارم و اشتباه آمیز سیاست ناظر بر "بیانیه مشترک"، که منشا اصلی کلیه سیاستهای اشتباهات پیشتر نیز هست، بی توجهی آشکار این دوستان به وجود صف و جنبشها و منفعتهای متفاوت و متضات است در "جنبشهای توده ای". از این جهت بدون داشتن تعریف روشن از محتوای واقعی چنین اعتراضاتی هر کدام بنا به علاقه و مصلحت خود انواع تعریف و نام گذاری روی آن می گذارند، و بعدا هم هیچکدامشان حاضر نیستند مسئولیت چیزیهایی که گفته اند را بپذیرند، همانطوری که صدها بار چنین تحلیل و ارزیابی های را از اوضاع سیاسی کرده اند، اما نه فقط جامعه که خودشان هم به فراموشی سپرده اند و عین خیالشان هم نیست! دوستان ما آزاد هستند خود را با هر نوع اسم گذاری ("انقلاب"، "جنبش سرنگونی"، "قیام" و یا "جنبش گرسنگان" و غیره) که دوست دارند مشغول کنند، اما باید بدانند اینبار تاریخ آنها را نخواهد بخشید که از نو، روشهای غیر کارگری-غیر کمونیستی سال ۵۷ را به نرخ "سیاست کمونیستی" به ما کارگران و آزادیخواهان و "توده ها" تحویل دهند. با چنین خط و رهبری و سیاستها و ملزومات و امیدهای که دوستان امضا کننده بیانیه مشترک به آن اتکا کرده اند بنظر من نه فقط به پیشروی و پیروزی کارگر و سوسیالیسم در زمین واقعی مبارزه کمک نمیکنند بلکه دارند دوباره ما را به سوی ناکامیهای سال ۵۷ هدایت میفرمایند. اینبار جنبشی که برای آزادی، برابری و سوسیالیسم مبارزه میکند از همین قدم اول موظف است جلوی چنین سیاست و تلاشهای مضر را سد کند و راه و صف و استراتژی مستقل کمونیستی-کارگری خود را باید بطور متحد پیگیری نمایند.

سوسیالیسم امروز: فراخوان شما به جامعه، به طبقه کارگر و جریان چپ و سوسیالیست چیست؟

سلام زیجی: فراخوان ما این است که نقد مشابه را به این اپوزسیون داشته باشند. ما تأکید میکنیم باید صف مستقل آزادیخواهی و سوسیالیستی خود را داشته باشیم. طبقه کارگر باید پرچم دار مبارزه انقلابی باشد، اما نه به فراخوان جریانات چپ نما و پوپولیست و راست و ارتجاعی، بلکه به فراخوان رهبری و جنبش سوسیالیستی خودش، با اتکا به مکانیزمهای مبارزاتی مانند اعتصاب و تحصن و اعتراضات رادیکال و با هدف درست و واحد کارگری و سوسیالیستی، از راه اتکا به ایجاد تشکل های کارگری و تحزب سیاسی و کمونیستی، از راه ایجاد احزابی مانند حزب سوسیالیست انقلابی و پیوستن به چنین حزب و سیاستهایی. جنبش ما نباید دنبال هیاهوی پوپولیستی بیافند، باید با هوشیاری کلیه ابزارهای سرنگونی رژیم هار اسلامی و مکانیزمهای پیروزی را در کلیه سطوح بسازد، همین امروز و در بطن فضای اعتراضی مساعدتری که فعلا هست. ما باید پرچم آزادی، برابری، سوسیالیسم و رفاه همگانی را به شعار و هدف اولیه کل جنبش و صف مبارزین تبدیل کنیم و مانع تحمیل شعار و پرچم نیروهای فریبکار ملی گرایان و مذهبیون در داخل و خارج کشور شویم. باید در جامعه مدافعان اصلی آزادی و برابری را فراخوان داد تا به این صف بپیوندند، به صف چپ به صف آزادیخواهی، به صف طبقه کارگر.

کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک شمت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و سوسیالیسم مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پبایی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و همه با هم بودنهای فریبکارانه، سازماندهی ابزارهای کارگری، توده ای، سیاسی، حزبی، مسلحانه، و ضرورت فوری سرنگونی جمهوری اسلامی از کانال مبارزه و سیاست مستقل و واحد سوسیالیستی خود است.

ما باید جمهوری اسلامی را به شیوه انقلابی، قهرآمیز و متکی به خود سرنگون کنیم. ما فقط برای پیروزی جنبش طبقاتی خود و سوسیالیسم مبارزه میکنیم، چرا که بدون پیروزی سوسیالیسم، آزادی، برابری، امنیت و خوشبختی در ایران معنی نخواهد داشت. فقط با پیروزی طبقه کارگر و صف آزادیخواهان و جنبش سوسیالیستی است که ایران بعد از جمهوری اسلامی به یک کشور و جامعه ای آزاد، برابر، مرفه تبدیل خواهد شد. همه را به پیوستن به این صف و مبارزه آزادیخواهانه دعوت میکنیم.

(با تشکر از رفیق ناصر-ز، که زحمت پیاده کردن متن گفتگویی تصویری که در تاریخ ۲۲-۱-۲۰۱۸ در "صدای سوسیالیسم امروز" صورت گرفته بود کشیده اند. در جریان ادیت نهایی اصلاحات جزئی از طرف مصاحبه شونده در متن صورت گرفته است)

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلامی کمک فوری
خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!